

شان تفسیر در آثار حضرت نقطه اولی

و تفاسیر نازلہ از قلم مبارک

دکتر محمد افنان

الف- کلیات

شان سوم از شئون خمسہ شان و لحن تفسیر است. اصطلاح تفسیر بطور کلی به مفهوم توجیہ و توضیح است تا هر مطلب مبہمی روشن شود و درک آن آسان گردد. دامنه کاربرد این لغت در فارسی و عربی وسیع است و در شعر و ادب و علوم نیز بکار می‌رود. اما در فرهنگ اسلامی به عنوان علم حقائق و دقائق آیات کتاب الہی یعنی قرآن متداول شدہ است. با آنکہ این لغت در معارف اسلامی اہمیت و ہویت مخصوص پیدا کردہ مع ذلک فقط یک بار در قرآن آمدہ^۱ و آن نیز بہ مفہومی نیست کہ از آن اشارہ بہ علم و روشی را بتوان استنباط کرد. اگرچہ کلمات و لغات دیگر چون شرح، تبیین، توجیہ، تفہیم، توضیح، تصریح و شاید اصطلاحات نادری نیز بتوان سراغ کرد کہ ہمہ متضمن همین مفہوم تواند بود ولی در اسلام کلمہ تفسیر جای ہمہ را گرفتہ و بہ عنوان اصطلاح فنی معمول گردیدہ و علمی بہ نام علم تفسیر قرآن از آن آغاز شدہ است. اصطلاح دیگری نیز وجود دارد کہ اگرچہ از جہت معنی مستقل است ولی از جہت کاربرد قرابت و نزدیکی با کلمہ تفسیر دارد و آن اصطلاح تأویل است.^۲ اہل فن در بارہ تفاوت این دو لغت معتقدند کہ تفسیر، بیان ظاہر قرآن و شرح کلمات کتاب و تحقیق حقیقت آن و متفق علیہ اہل دانش است، در حالی کہ از تأویل، کشف باطن کتاب و بیان مقصود آیات و توضیح متشابہات قرآن و ہر آنچہ از آیات کہ ادراک بشر بہ حقیقت آن بدون ہدایت الہی نتواند رسید مقصود است و لذا علمای دین در مفہوم آیات تأویلی ہموارہ متحدالقول نیستند. تفسیر را مربوط بہ تفہیم الفاظ و مفردات دانستہاند و تأویل را در بارہ آیات و معانی و مفاہیم ذکر کردہاند و تفسیر را عم از تأویل شمردہاند.^۳ جرجانی تفسیر را حاکی از دلالت ظاہرہ دانستہ و برای تمایز تفسیر و تأویل بہ این آیہ مبارکہ، قرآنی «یخرج الھی من المیت» (الروم ۱۹ و اشباہ آن) اشارہ کردہ است. بطور تمثیل ایجاد پرنده از تخم را بہ مفہوم تفسیر دانستہ و پیدایش مؤمن از خاندان کافر یا پیدا شدن عالم از جاہل را معادل تأویل شمردہ است.^۴

تفسیر در اسلام بخش مهمی از معارف دینی را تشکیل می‌دهد و به اعتباری می‌توان گفت که پایه و مایه تمام شعب علوم اسلامی است. اساس تفسیر بر روایات وارده از پیغمبر اکرم و خاندان جلیل و اصحاب حضرتش بنا شده و بعداً به کوشش تابعان اصحاب و علمای اسلام شکل گرفته و در طول تاریخ اسلام توسط فرق مختلف اسلامی بنا بر تأکید یا تضعیف روایات و نظرات سابقه به صور مختلف عرضه شده و حتی در عصر حاضر به مذاق و مشرب فرهنگ جدید بر مبنای تنوع استنباط از احادیث و تقریرات پیغمبر و اصحاب آن حضرت، مفاهیم نو و ابتکاری از آن عرضه شده و می‌شود.

بر خلاف کلمه، تفسیر و مشتقات آن که فقط یک بار در کتاب مجید آمده لفظ تأویل لااقل در ۱۷ مورد در قرآن کریم مذکور است که عموماً مفهومی مناسب دریافت حقیقت به مدد تعلیم و هدایت الهامی دارد. در یک مورد از آیات مزبور مخصوصاً مصرح است که تأویل آیات را جز خدای متعال و آنان که در علم راسخند کسی نمی‌داند و در دو مورد نیز تأویل را موقوف به آتیه و یوم و زمانی مخصوص فرموده که با توجه به مدلول آیات می‌توان دریافت که مقصود روز قیامت و حساب است.^۶

حضرت نقطه در اولین اثر مبارک خود یعنی قیوم الاسماء وعده، نزول تأویل آیات، مصرح در قرآن را انجاز و محقق فرمودند. در سورة الایمان (سوره سوم) ضمن تصریح عنوان اثر مبارک به نام فرقان می‌فرماید: «هو الذی انزل الفرقان عربياً غیر ذی عوج علی عبده علی الحق الخالص تنزیلاً لیریکم من آیاته و من تأویل الاحادیث علی الصراط القیم بالحق المستقیم بدیعاً. ان هذا صراط علی فی السموات و الارض علی الحق البدیع من الله العلی سویاً... انا نحن قد نزلنا علی عبدنا هذا الكتاب من عند الله بالحق... فاسئلوا الذکر تأویله فانه قد کان بفضل الله علی آیاته بحکم الكتاب علیماً.»^۷

و در سورة العلم (سوره ۹۵) کیفیت تفسیر و تأویل را چنین بیان فرموده‌اند: «ان لهذا الكتاب تفسیر علی التأویل من عند الله الحکیم و هو الله قد کان عزیزاً قديماً لا یعلم تأویله الا الله و من شئنا علی الحق فاسئلوا الذکر بالحق تأویله فان الله قد علمه فی کف من التراب علم الكتاب علی الحق بالحق جميعاً.»^۸

و در سورة المؤمنین (۱۱۱) می‌فرماید: «یا اهل الارض ان هذا الكتاب تفسیر لكل شیء هدی و رحمة للذین یریدون الله من قبل الباب سجداً علی الحق بالحق محموداً.»^۹

بغیر از تأویلات متعدده از آیات قرآنی در تفسیر احسن القصص، کتاب مستطاب بیان را باید مرجع و مأخذ تأویل بسیاری از اصطلاحات قرآنی از قبیل قیامت، بعث و حشر، میزان و حساب و بهشت و جهنم و غیرها دانست. در نفس کتاب بیان اصطلاح تأویل عیناً ذکر نشده و اشاره به تفسیر نیز معدود است ولی از همین اشارات انگشت شمار دو نکته، مهم دریاخته می‌شود:

۱- «جائز نیست تفسیر بیان الآ به آنچه تفسیر شده از نزد شجره او.» (شجره، بیان = حضرت نقطه) (واحد دوم / ۲)

۲- « از حین غروب (غروب شمس ظهور حضرت نقطه) الی طلوع من ینظره الله آثار فرضیه مرتفع (مستقر و واجب الاطاعة) و حروف حی و کلّ من آمن بالله و بالبیان در ظلّ آنها مستظلّ. » (واحد سوّم / ۱۶)

و لذا تفسیر و تأویل و اشباه آن کلاً متروک و ممنوع است. با اینهمه در همان باب شانزدهم واحد سوّم توضیح و تفهیم حقائق کتاب الله را جائز فرموده است: «الّا اینکه کسی طیران نماید در عرفان حکمی از احکام الله چه اصولاً و چه فروعاً و اثری از خود ظاهر نماید اگر از حدود بیان تجاوز ننماید در ظلّ او محشور والّا لایق ذکر نمی‌گردد عند الله و عند اولی العلم. » (واحد سوّم / ۱۶)

بنا بر صریح بیان «کسی احاطه به آنچه خداوند نازل فرموده در بیان نمی‌نماید الّا من ینظره الله او من علمه علمه و مثل ذلك شجره‌ای که بیان از او طالع شده...» (واحد دوّم / ۲) قسمت مهمی از آثار حضرت ربّ اعلیٰ به لسان تفسیر است زیرا این نوع معارف در اذهان مخاطبان که پرورده، مکتب اسلام و آشنا به تفسیر بودند بهتر تأثیر می‌کرد و آنها را برای درک حقائق و تعالیم آماده می‌ساخت. بسیاری از اصول و حقائق امر بدیع به این وسیله اظهار و ابلاغ شده است. تفاسیر صادره از قلم مبارک روش‌های مستقلّ دارد. مقایسه‌ای از تفسیر سوره، بقره، تفسیر سوره یوسف و تفاسیر کوثر و والعصر این تمایز را روشن می‌سازد. اولیٰ به روش مرسوم، ثانی به سیاق اندراج و امتزاج و انطواء کلمات و مفاهیم و سوّمین و چهارمی به صورت تفصیل اشارات است. اما همه بر اساس تأویل نازل گشته است.

ب- تفاسیر نازله

همچنان که در شواهد آیات از قیوم الاسماء زیارت شد مفهوم تفسیر و تأویل در آثار حضرت نقطه یکی است و اساساً تفاسیر صادره عموماً تأویلی است و اگر در بعضی موارد اشاراتی به روایات منقول و یا توجهی به روش تفسیر معمول شده صرفاً برای رعایت حال مخاطب است و گرنه اصولاً مقصد حضرت نقطه از صدور تفاسیر، بیان مفاهیم و مطالب و حقائق آیات قبل بر اساس وحی و تنزیل است و مقید به ظواهر و مأخذ معموله، شرع و نقل نمی‌باشد.

یکی از نمونه‌های بارز تأویل در تفاسیر حضرت نقطه شرح و بیان معانی حروف بجای تفسیر کلمات و آیات است. اگرچه در تفسیر حروف مقطعه، قرآنی که در صدر بعضی از سور قرآن وارد شده این مطلب سابقه دارد ولی باید توجه داشت که در قرآن تعداد حروف مزبور، معدود و معین است ولی در تفاسیر صادره از قلم حضرت ربّ اعلیٰ در بعضی موارد همه، حروف سوره مکرراً مستقلاً به کیفیت‌ها و مفاهیم متعدده تفسیر شده‌اند. لازم به گفتن نیست که تفسیر حروف اصولاً تفسیر تأویلی است. شاید در این مورد سؤالی پیش آید که چرا حضرت نقطه به تفسیر حروف توجه خاصّ مبذول فرموده‌اند. شاید یکی از احتمالات این باشد که چون علمای اسلام حتی دانشمندان علم اللّغه حروف را به انواع مختلفه از حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن طبقه‌بندی نموده و برای هر یک خصوصیات و صفات غریبه معتقد بودند و این دقائق و مطالب تصویری را علم

سیمیا می‌نامیدند و اهمّیت و رواجی تامّ در عصر ظهور داشت، حضرت نقطه برای تعدیل و تصحیح این عقائد و افکار به تفسیر و تأویل حروف توجّه فرموده‌اند به این مفهوم که حروف را نشان و علامت مفاهیم و مبنای اصطلاحات مختلفه، روحانی و عرفانی و نمودار نکات و ظرائف فکری گرفته، در ظلّ آن به توجیه و تعریف مبانی نظری و فلسفی توجّه فرموده‌اند. اما با وسعت و شمول مطالب مختلفه مطلقاً از علوم غریبه در ضمن آنها ذکر و بحثی میان نیامده است. از این رو احتمالاً بحث حروف و اعداد و ارتباط آنها نیز که در آثار حضرت نقطه بوفور آمده، یکی از اهداف و مقاصدش آن است که افکار عمومی از خواصّ تخیلی و جادوئی حروف و اعداد به واقعیّات معطوف گردد زیرا ذکر و اشاره‌ای از این قبیل خواصّ و تأثیرات نفرموده‌اند و اگر در مواردی حرز و دعائی و یا ذکر و حاجبی تعیین فرموده‌اند صرفاً آیات و ادعیهای است که حاکی از تأثیرات اسماء الهی نازل در کتب آسمانی است ولی نه اسماء مخصوصه، ارباب انواع و نه رموز عددی مبهم و نامعلوم که عموماً جنبه، تسخیرات ذهنی دارد در آثار مبارک مذکور نیست. اگرچه این موضوع خارج از بحث است اما برای تکمیل مطلب باید اشاره کرد که معادله، اعداد و حروف در معارف دور بیان مطلقاً جنبه، علوم خفیه ندارد و فقط به دو منظور معمول شده است. یکی ابداع روش رمزی برای استتار اطلاعات از دیگران که بدین وسیله اسامی افراد و شهرها را به کمک محاسبات عددی با اسم دیگری تطبیق می‌فرمودند. منظور دیگر اشارات ضمنی به عظمت ظهور مبارک و بشارت به ظهور من یظهره الله به کمک تحقیق روابط اسماء الهی با یکدیگر از طریق معادلات اعداد می‌باشد.

چنانکه قبلاً ذکر شد محتملاً علت توجّه حضرت ربّّ اعلیّ به تفسیر سور و آیات قرآنی و احادیث اسلامی، تصحیح افکار و آراء فلسفی و کلامی متداول بوده تا بدین وسیله مقدمه‌ای بر تعالیم بنیادی و جهان‌بینی روحانی امر بدیع بیان فرموده باشد. از آنجا که بهترین پایگاه برای هدایت اهل اطلاع، نقد و تعدیل عقائد و افکار موجوده است، حضرت نقطه همّ و اقدم مطالب و تعالیم اعتقادی ظهور جدید در باره، عالم وجود و هدف خلقت و ظهور ادیان و تحوّل و تکامل عالم انسان را در ضمن این تفاسیر منعکس فرموده‌اند. شاید این بیان مبارک در قیوم الاسماء مؤید این نظر باشد: «قل یا اهل الارض اتجادلوننی فی الله علی اسماء سمّیتموها انتم و آبائکم بالقاء الشیطان و ان الله قد انزل علیّ الكتاب بالحقّ لنعرفکم اسماء الله الحقّ عمّا کنتم عنه عن غیر الحقّ بعیداً.» (سورة الودع- سوره، ۶۸)

از حضرت نقطه تفاسیر مختلفه بر قرآن بطور کامل، بر بعضی سور قرآنی، بر عده‌ای از آیات قرآن و بالاخره بر پاره‌ای از احادیث صادر شده، بعضاً بطور مستقلّ و بعضی ضمن توقیعی و یا اثری در جواب یکی از طالبان است. اگرچه عموماً به لسان عربی است ولی به فارسی نیز متونی زیارت شده است. در آثار دیگر نیز که رأساً به تفسیر تخصیص داده نشده مثل کتاب مستطاب بیان فارسی و دلائل سبعة نیز بعضی از آیات و اخبار و احادیث شرح و توجیه شده است.

اینک فهرستی از تفاسیر و شروح نازله از قلم حضرت نقطه عرضه می‌شود. در این فهرست صرفاً آثاری که بالتمام به تفسیر سوره، آیه و یا حدیثی تخصیص یافته ذکر شده ولی از توقیعات جوابیه‌ای که متضمّن تفاسیر است ذکر نشده است.

۱- تفسیر سوره بقره

این اثر در خصوص تفسیر سوره دوم قرآن یعنی بزرگترین بخش آن کتاب مجید است. حضرت نقطه آن را در دو قسمت مرقوم فرموده‌اند. قسمت اول همراه با تفسیر سوره فاتحه آغاز می‌شود و تا آیه ۱۴۱ از سوره بقره را شامل است. تاریخ صدور آن به قلم مبارک در خاتمه تصریح شده و حکایت از آن دارد که در شروع سنه ۱۲۶۰ به پایان رسیده است و مصدر به مقدمه‌ای در خصوص شأن صدور است.

در این متن اگرچه آیات سوره بقره هر یک مستقلاً تفسیر شده و در بسیاری موارد به احادیث نیز استشهاد شده و لکن اساساً تفسیر بر سیاق تأویل است و اساس مطلب اثبات تفرّد و تمایز و تفاوت آل الله یعنی پیغمبر اکرم و خاندان مبارک او بطور اخص (و مظاهر ظهور بطور کلی) از سایر خلائق است و بیان اینکه وصول به آن رتبه و مقام برای احدی میسر نیست.

حجم تقریبی این اثر مبارک ۲۹۶ صفحه، ۱۷ سطری و هر سطر تقریباً ۸ کلمه در نسخه شماره ۶۰۱۴ می‌باشد.

تفسیر بقره با این آیات آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي تجلّى للممکنات بطراز النقطه المنفصلة عن لجة الابداع لها بها اليها» و به این آیه «و لقد فرغت من ابداعها في تفسیر جزء تام من اول الكتاب في شهر ذي حجة الحرام متوالياً في سنة ۱۲۶۰ و صلى الله على محمد و آله و الحمد لله رب العالمين» خاتمه می‌یابد. ۱۰ نام دیگر این اثر کتاب الاحمدیه است.

قسمت دوم تفسیر با آیات زیر آغاز می‌شود: «قال الله تعالى سيقول السفهاء من الناس... و لقد اراد الله في عالم لاهوت الفعل من الناس نفس الاذن و الاجل و الكتاب اذ انهم قالوا الارادة و القدر و القضاء ما وليهم عن قبلتهم التي هي المشية...» و خاتمه آن: «سبحانك و نحمدك لا اله الا انت يا رب الارباب و سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.»

تاریخ صدور آن معلوم نیست و نسخ آن نیز فراوان نمی‌باشد. نگارنده سالها پیش نسخه‌ای از آن را در موزه بریتانیا زیارت نمود اما متأسفانه مشخصات آن را در اختیار ندارد ولی تفسیر تا آخر سوره بقره را شامل است.

۲- تفسیر سوره یوسف

این اثر به احسن القصص نیز شناخته می‌شود ولی نام برگزیده آن که مخصوصاً منظور نظر منزل جلیل القدر بوده قیوم الاسماء است و در تفسیر سوره دوازدهم قرآن مجید می‌باشد. ۱۱ تاریخ نزول آن از لیل، پنجم جمادی الاول ۱۲۶۰ آغاز شده و بنا بر بیان حضرت نقطه در مدت چهل شبانه روز به پایان رسیده است. ۱۲

قیوم الاسماء دارای ۱۱۱ سوره است که هر سوره در قبال یک آیه (بجز در چند مورد معدود) از سوره یوسف نازل شده است. هر سوره اگرچه اشاراتی متناسب با آیه مربوطه دارد اساساً تفسیری تأویلی از موارد مختلفه، متعدده، عموم آیات قرآنی است. سوره‌ها به سیاق بعضی از سور قرآنی عموماً با حروف مقطعه آغاز می‌شود و در بعضی نسخ در صدر هر سوره تعداد آیات آن که همواره ثابت و به عدد ۴۲ آیه ذکر شده با تصریح به اینکه «آیات شیرازیّه» است مشخص

گردیده است و هر يك نامی مخصوص دارد .

مطالب مندرج در این اثر جلیل که بنا به تأیید جمال اقدس ابهی در کتاب ایقان «اول و اعظم و اکبر جمیع کتب است» و بنا بر تصریح خود کتاب قیوم الاسماء قرآن و فرقان است، حاکی از ظهور جدید و امر و شرع جدید می‌باشد و اگرچه با رمز و استعاره مطلب بیان شده، دعوت به دوره‌ای جدید در عالم انسانی و معارف دینی است که با ظهور حضرتش آغاز شده و انتظار ظهوری عظیم و جلیل را تعلیم می‌دهد .

حجم آن تقریباً ۹۳۰۰ بیت در ۲۴۰ صفحه، ۲۵ سطری و هر سطر شامل ۱۶-۱۸ کلمه می‌باشد و به نام کتاب الحسینیّه نیز نامیده شده است. شروع آن با آیات زیر است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي نزل الكتاب على عبده بالحق ليكون للعالمين سراجاً وهاجاً و ان هذا صراط على عند ربك بالحق قد كان في ام الكتاب على الحق القيم مستقيماً» و با این آیه خاتمه می‌یابد: «و ان الله و ملائكته يصلون على النبي و آله يا ايها الذين آمنوا صلوا عليهم كما صلى الله عليهم و على شيعتهم و هو الله كان بالحق على كل شيء شهيداً و هو الله كان بكل شيء محيطاً و السلام.»^{۱۳}

اگرچه نزول سوره اول این کتاب مستطاب در حضور جناب ملا حسین و ظاهراً در انجاز وعده جناب سید کاظم راجع به تفسیر سوره يوسف توسط موعود منتظر بوده ولی در حقیقت اولین کتاب آسمانی دور بیان است که به وسیله آن، حضرت نقطه، اولی دعوت خود را تأسیس و اصول و مبانی تعالیم خویش را اظهار فرموده‌اند .

۳- تفسیر سوره کوثر

سوره کوثر یکصد و هشتمین سوره قرآنی و فقط سه آیه است.^{۱۴}

تفسیر مبارک مزبور به تقاضای جناب سید یحیی وحید و در شیراز نازل شده است و متضمن تفسیر حروف سوره مزبور می‌باشد . در ابتدای اثر نامبرده، هیکل اطهر ضمن ذکر و بیان موازین تحقیق و مبانی اصولی در مورد ضرورت ظهور موعود منتظر رسماً اظهار امر و دعوت می‌فرمایند و در ضمن تفسیر حروف سوره، معارف بدیعه، اساسیه را توضیح می‌فرمایند و در خاتمه، اثر به استشهاد از احادیث متعدده، اسلامی همراه با سلسله، روات، در ضمن فصول و مطالع متعدده اخبار راجع به قائم را نقل می‌فرمایند . تفسیر کوثر بغیر از بیان مطالبی روحانی، در حقیقت اظهار امر و ابلاغ دلائل و حجج بر حقیقت ظهور جدید است .

ابتدای آن آیه زیر است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل طراز الواح كتاب الفلق في كل ما فتق و استفرق و استنطق طراز اول الذي لاح و اضئت...» و با آیه «صدق و الله ابو عبدالله عليه السلام حتى صدقوه كلهم جميعاً سبحان الله رب العرش عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين» خاتمه می‌یابد .

حجم آن متجاوز از دویست صفحه، ۲۲ سطری و هر سطر ۸-۱۰ کلمه می‌باشد.^{۱۵}

۴- تفسیر سوره والعصر

یکصد و سومین سوره قرآن و تنها سه آیه است.^{۱۶}

تفسیر والعصر به خواهش میر سید محمد سلطان العلماء امام جمعه، اصفهان نازل شده است و

مانند بسیاری دیگر از تفاسیر صادره از قلم مبارک، تفسیر حروف سوره می‌باشد و اصولاً بر اساس تأویل و متضمن بیان مسائل اصولی و توضیح مفاهیم اعتقادی ظهور جدید در زمینه مسائل فلسفی و کلامی است و در آخر آن تفسیری بر سیاق تفاسیر متداوله نیز بیان فرموده‌اند. اگرچه این اثر مبارک نیز متضمن استشهاد از احادیث و آیات است ولی معمولاً در آثار حضرت نقطه، اولی به نقل متن حدیث اکتفا فرموده، به سلسله روایت کمتر توجه شده است.

شروع تفسیر با «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي تجلّى للممكّنات بظهور آثار ابداعه في ملكوت الامر و الخلق ليتألّفن جوهريات حقائق الموجودات بتألّف آيات اللاهوت...» می‌باشد و ختم آن «عن الصادق عليه السلام من قرء والعصر في نوافله بعثه الله يوم القيمة مشرقاً وجهه ضاحكاً سنه قريراً عينيه حتى يدخل الجنة انتهى و اناذا اختم ذلك الكتاب بقول الرحمن سبحان الله ربّ العرش عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.»

تعداد صفحات این اثر نزدیک به یکصد صفحه، ۱۶ سطری و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه می‌باشد. ۱۷.

۵- تفسیر سوره توحید

سوره توحید یا اخلاص یکصد و دوازدهمین سوره قرآن و مشتمل بر چهار آیه است. ۱۸. شروع آن با «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ينزل الامر في الكتاب على قدر غير معدود فاشهد ان لا اله الا الله كما هو اهله و مستحقّه من دون ان يقدر احد ان يعرف كيف هو الا هو سبحانه و تعالى عمّا يصفون» و خاتمه آن با آیه «و استغفر الله ربّك و انّ بمثل هذا ليعمل العاملون و سبحان الله ربّك ربّ العزّة عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين» می‌باشد. مضامین مطلب این تفسیر در باره توحید ذات الهی و بعضی تطبیقات عددی است.

حجم آن ۱۲ صفحه، ۱۶ سطری، هر سطر در حدود ۱۲ کلمه می‌باشد. ۱۹. مخاطب و تاریخ نزول محتاج تحقیق است. ولی از متن معلوم است که به تقاضای کسی آن را مرقوم فرموده‌اند.

۶- تفسیر لیلۃ القدر (سورة القدر- انا انزلنا)

سورة القدر سوره ۹۷ از سور قرآنی و مشتمل بر ۵ آیه است. ۲۰. این تفسیر نازل در جبال آذربایجان و در جواب تقاضای یکی از اهل ایمان است و چنین آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ابدع ما في السموات و الارض بامرّه ثمّ الذين آمنوا بالله و آیاته فاولئك هم الى الله يحشرون» و با این آیه به پایان می‌رسد: «و كفى بفضله علمه بذنبی و اعترافی بعصیانی و انه لهو الحی الغنی القدیم و سبحان الله ربی عمّا يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين.»

حجم آن در حدود ۸ صفحه، ۱۶ سطری، هر سطر ۱۲ کلمه می‌باشد. ۲۱. مطالب آن در باره خاندان پیغمبر مخصوصاً قائم موعود و حضرت صدیقه فاطمه می‌باشد، چه که طبق روایات، این سوره در باره رؤیای رسول اکرم و «الف شهر» مذکور در آن مقصود دوره خلافت غاصبانه بنی امیه است. لیلۃ القدر شب ۲۳ رمضان است و بنا بر بیان مبارک «الروح»

اشاره به قائم موعود و «الملائكة» ائمه، معصومین و «سلام هی حتی مطلع الفجر» ناظر به حضرت فاطمه، زهرا می‌باشد.

۷- تفسیر سوره، حمد

سوره الحمد که به نام‌های فاتحه کتاب و سبع المثانی نیز معروف است اولین سوره از سور قرآنی است ۲۲ که در این اثر مستقلاً تفسیر فرموده‌اند و شرح مختصر دیگری نیز در باره آن در ابتدای تفسیر بقره از قلم مبارك صادر شده است.

این اثر مبارك چنین آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله المتقدس عن جوهر نعت الموجودات و المتعالی عن مجرد وصف الممكنات و المتكبر عن ذكر كافور الكينونيات...» و با این آیه خاتمه می‌یابد: «و الی ذلك المقام قد اختتم البيان لانّ له يوم يظهره الله بالعیان و انّ علی الله التكلان فی ما هو كائن فيكون و قال كن فيكون و سبحان ربك ربّ العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین.»

مجموع این اثر ۳۵ صفحه، ۱۹ سطری و هر سطر در حدود ۱۲-۱۴ کلمه می‌باشد ۲۳.

در بعضی نسخ، تفسیر بسم الله نیز جزئی از این اثر محسوب شده و اگر چنین باشد باید تعداد صفحات تفسیر مزبور را نیز بر رقم بالا افزود. اما در بسیاری از متون، «تفسیر بسم الله» بطور مستقل نقل شده است. این اثر مبارك حاوی مطالب دقیقه، تأویلی و تطبیقات و توجیحات عددی حرفی در باره رسول اکرم و خاندان مکرم و ضمناً اشارات تفسیری به متن آیات سوره و بعضی آیات دیگر قرآن است. دعای سبع دوائر ضمن این تفسیر درج شده است.

۸- تفسیر بسم الله

با این آیات شروع می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل طراز مشيته جلال ازليته آتی علت و رفعت بعد ما اخترعت قبل ما بدعت... بسم الله البديع الذي لا اله الا هو ان الله سبحانه قد جعل لظهوره خلقه بخلقه اربع مقامات المشار اليها و الرموز عنها فی كلمات آل الله عليهم السلام بالاسرار» و خاتمه آن «التي نطقت في حق منشئها بطراز الابداع كلها لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين و الحمد لله ربّ العالمين» است.

این اثر مشتمل بر ۴۸ صفحه، ۱۷ سطری و هر سطر در حدود ۱۴ کلمه است و نام دیگر آن صحیفه، باقریه می‌باشد ۲۴.

روش تفسیر، تفسیر حروف مخصوصاً در چهار رتبه، بیان، معانی، ابواب و امامت است که شرح تفصیلی آن در بعضی از آثار حضرت نقطه مخصوصاً صحیفه، عدلیه آمده است. از این توضیح می‌توان دریافت که این اثر نیز در باره مظاهر فعل الهی یعنی مظاهر ظهور می‌باشد.

۹- تفسیر آیه، نور

آیه، نور سی و پنجمین آیه، سوره نور در قرآن می‌باشد ۲۵ و تفسیر مبارك مزبور با آیه، زیر آغاز می‌شود:

«بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله المتعالی المنیع الحمد لله الذي خلق كل شيء بامر و قدر مقادير كل شيء، بقوله اذ انه هو الحق به يخلق ما خلق و يبدع ما بدع...» و با این آیه به پایان می‌رسد:

« و قل سبحان الله رب العالمين و اما السّلام من عنده على عباده المؤمنين و الحمد لله ربّ العالمين »

اساس مطالب در باره معنی و منظوق کلمه، نور و متضمن اظهار امر صریح و ابلاغ و اثبات امرالله بر مبنای اشارات و احادیث می باشد. و تفاوت کلمه، نور و نار را که مساوی عدد ۵ است با کلمه مبارکه، باب تطبیق و به وجود مبارک تفسیر می فرمایند.

حجم این اثر مبارک در حدود ۳۰۰ سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه است. ۲۶-
۱۰- سؤال از لوح محفوظ و بده

لوح محفوظ اصطلاح قرآنی است که در سورة البروج (سوره ۸۵) آیه اخیر آن آمده و در شأن کتاب مجید است. ۲۷

در این اثر حضرت باب اعظم توضیحی روحانی به زبان فلسفی بیان فرموده و ضمن تفصیل مراتب سبعه خلقت، ترتیب ثواب و عقاب را که در لوح حفیظ الهی مکتوب است بیان فرموده اند. این اثر متجاوز از ۳/۵ صفحه و هر صفحه ۱۶ سطر و هر سطر در حدود ۱۰-۱۲ کلمه است. ۲۸

ابتدای آن که در باره بده است « بسم الله المنشأ العليم الذي لا اله الا هو العزيز الحكيم قد ابتداء باختراع الكلمات في ثبات اهل السّبحات » و سپس در خصوص لوح محفوظ با « قد سئل السائل عن لوح الحفیظ اعلمه بما قد علمك الله المحيط » آغاز و با « جعل الله في باطن تلك اللوح رحمة و راحة و في ظاهرها من قبل الله العذاب و سبحان الله موجدتها عما يصفون » خاتمه می یابد.

بنا بر « فهرست آثار مبارکه، حضرت نقطه اولی » تدوین لجنه، ملى محفظه، آثار (۱۳۵ بدیع) این اثر خطاب به آقا محمد ابراهیم می باشد که هویت او محتاج تحقیق است.

۱۱- تفسیر « قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى » ۲۹

این تفسیر به خواهش ملاً احمد ابدال در ماکو نازل شده است. اساس مطلب در بیان معنی قربابت است که جنبه روحانی و حقیقی آن منظور است و مقصود قرب و نزدیکی به رسول الله می باشد. شروع آن: « بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي افرغني لمشاهدة قمص طلعة حضرة ظهوره في وسط الجبال و الهمني آيات وحدانيته في بحبوحة لجة الجلال » و در پایان « الذي لا يتعاضمه شيء في السموات و لا في الارض و هو على كل شيء قدير » است.

در حدود ۶۰ سطر و هر سطر ۱۲ کلمه می باشد. ۳۰

۱۲- تفسیر حرف هاء

مطالب این تفسیر عموماً در باره مسائل فلسفی و کلامی و مراتب توحید و ظهور مظاهر الهی است و از آثار مهمه محسوب و در بسیاری از سایر آثار حضرت نقطه به آن اشاره و استشهاد شده است.

شروع آن « بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل طراز الواح الابداع طراز الالف القائم بين الحرفين الذي لاح و اشرق بما استشقق و استنطق ثم جعله الله آية لنفسه بنفسه » و خاتمه با « هو انه فوق ما يعرف العارفون و غنى عما كان الناس يعملون و سلام على المرسلين و الحمد لله ربّ العالمين » است.

حجم آن متجاوز از ۴۵ صفحه، ۱۶ سطری و هر سطر در حدود ۱۲-۱۴ کلمه است.^{۳۱} حرف هاء در آثار حضرت نقطه حائز اهمیت مخصوص است زیرا از جهتی اشاره به هاء هویه، الهی دارد و از جهتی معادل عدد ۵ است که نمودار عددی اسم باب می‌باشد و در بسیاری از آثار مبارکه به آن اشاره شده است.

۱۳- تفسیر سرّ هاء

مطالب این اثر نیز ادامه، اشارات نازله در تفسیر هاء است. اولی را حضرت نقطه تفسیر علانیه و این تفسیر را تفسیر سرّ هاء نامیده‌اند و اینچنین آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي تقدس بقدر كينونيته عن عرفان اعلى مجردات اللاهوت و من يشابهها» و با این آیه به پایان می‌رسد: «فاسئل الله لجنابك بما هو يحبّ و يرضى انه هو العزيز الحكيم.» حجم این تفسیر مبارک در حدود ۳۵ صفحه، ۱۶ سطری است و هر سطر ۱۲ کلمه بطور تقریب می‌باشد.^{۳۲}

۱۴- شرح دعای غیبت

شرح دعای غیبت که به نام صحیفه، جعفریه و تفسیر هاء، نیز نامیده شده در چهارده باب در شرح دعای غیبت می‌باشد. دعای غیبت منقول از امام صادق است.^{۳۳} این اثر که حاوی نزدیک یکصد صفحه و هر صفحه ۱۸ سطر، هر سطر در حدود ۱۰ کلمه^{۳۴} می‌باشد متضمن مباحث مختلف روحانی و اشاراتی راجع به اصول عقائد و آراء فلسفی امر جدید و بحث و استدلال بر حقیقت ظهور می‌باشد و در آخر آن مخصوصاً حضرت نقطه شهادتنامه، ایمانی ملاً عبدالحالق یزدی و ملاً علی برغانی را نقل فرموده‌اند. در متن این اثر، بیان مبارک مورد استشهاد در کتاب مستطاب ایقان^{۳۵} آمده و ضمناً اشعاری بر سیاق اشعار منقول از سید الشهداء حضرت حسین از قلم مبارک جاری شده است.

آغاز آن چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي شهد بذاته لذاته ان لا اله الا هو الذي قد علا بعلو نفسه على كل شيء، و استتر عن علو ظهوره عن كل شيء...» و در آخر: «اللهم صلّ على محمد و آل محمد و صلّی الله علیه و آله و عجل فرجهم یا کریم.» عنوان باب اول خطبة الانوار و هر یک از ابواب دیگر در بیان یکی از مباحث مربوط به تفسیر دعا و مراتب اسماء و صفات الهی است.

۱۵- تفسیر «اینما تولّوا فثمّ وجه الله»

این آیه از سوره بقره (سوره ۲) آیه ۱۱۵ می‌باشد.^{۳۶}

آغاز و اختتام آن «بسم الله الرحمن الرحيم اعلم ان عرباً من العرباء من اهل البادية سئل عن علی علیه السلام عن وجه الله فی قوله تعالی... هو فی مقعد صدق عند ملک مقتدر صلّی الله علیه و علی مولده و الحمد لله ربّ العالمین.»

مجموعاً در حدود چهل سطر و هر سطر در حدود ۱۴ کلمه است.^{۳۷} مفهوم بیان مبارک در باره وحدت حقیقت رسول الله و امیرالمؤمنین و بابت حضرت علی است و بیان مفهوم آیه در این نکته که «نحن وجه الله» در حق مظاهر توحید صادق است چه که کلمه،

توحید (لا اله الا الله) لفظاً نیز حکایت از وحدت دارد.

۱۶- تفسیر «واو» و الصّافات ۳۸

این اثر مبارک نازل در چهریق و خطاب به جناب عظیم است. مطالب آن محتوی اشارات وسیع و دقیق در باره، حروف بیست و هشت گانه، عربی است که به اعتبار اولین حرف واقع در چهار ردیف عددی از آحاد تا الوف به نام «ایقغ» نامیده می‌شود و به نام «ابجد» نیز معروف است. معادلات و تبدیلات حروف و اعداد کلاً حاکی از مقام ظهور و عظمت آن است. مطالعه این اثر مبارک مؤید این حقیقت است که محاسبات حروف و اعداد در آثار حضرت نقطه بالکل مستقل و مخالف توضیحات و تفسیرهای وهمی گذشتگان در باره، تأثیر اعداد و حروف و مناسبات آنها است.

ابتدای این توقیع چنین است: «بسم الله العلی الاعلی الاعظم سبحان الذی بیده ملکوت کلّ شیء، لا اله الا هو الواحد الاحد المتکبر القائم القدوس الرقیع العزیز المنیع» و با این آیه خاتمه می‌یابد «لا اله الا هو العلی العظیم و سبحان الله رب السموات و رب الارض رب العالمین.»

مجموعاً متجاوز از ۳۰۰ سطر و هر سطر در حدود ۱۴ کلمه است. ۳۹

۱۷- تفسیر «فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصل» ۴۰

حضرت نقطه این آیه را به مراتب و مقامات باطنی تأویل فرموده «بیوت» را به مشعر افنده تفسیر فرموده‌اند که مقام تجلی مظهر ظهور است و کلاً این آیه، مبارکه و دو آیه، بعدی را که در ادامه، مطلب است به مقامات و مراتب روحانی منسوب داشته‌اند. اگرچه این آیه در اصطلاح مفسران نیز به بیوت و منازل انبیاء و ائمه تفسیر شده ولی در نظر آنان مقصود بیوت مسکونه و خاندان است و در تفسیر مبارک ناظر به مراتب غیر مادی و مدارج روحانی است. در ضمن کتب حدیث از امام صادق در بیان این حدیث نقل شده که «هی بیوت النبی.» ۴۱

آغاز آن «بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله البدیع الذی لا اله الا هو اقتتح بسرّ البیان لآظهار ما جعله الله فی الکیان بالوجود الی البیان حتی قد شهد اهل العیان بما قد شاء الله فی حق الانسان» و خاتمه «و لمثل هذا فلیعمل العاملون و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم و الحمد لله رب العالمین.»

مجموعاً در حدود چهل سطر و هر سطر در حدود ۱۲-۱۴ کلمه است. ۴۲ تحقیق راجع به کسی که از تفسیر آیه سؤال کرده موقوف به بعد است.

۱۸- بیان تحقیق استفهامات قرآن

حضرت نقطه این توقیع را در جواب شخصی که او را با عنوان «احد من الطّالّاب» معرفی نموده صادر فرموده‌اند. در بعضی متون مخاطب به نام سید احمد اصفهانی ذکر شده که هویت او محتاج تحقیق است (فهرست جنبه، محفظه، آثار). از نمونه، استفهامات یعنی آیات سؤالی قرآن به دو مورد اشاره فرموده‌اند. نخست آیه «ما تلك بیمینک یا موسی» (سوره طه (۲۰)، آیه ۱۷) و دیگر «الست بریکم» (اعراف (۷)، آیه ۱۷۲). و مورد نخستین را در مراتب مختلف بیان، معانی، ابواب، امامت، ارکان، نقباء و نجباء که سلسله، طولیه، عالم وجود است تفسیر و توضیح

فرموده‌اند. این اثر از آثار عرفانی و مراتب ظهور را حاکی و متضمن است. ابتدای آن با خطبه، غزائی آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ابدع جواهريات ذوات اهل الانشاء لا من شيء بامرہ ليعرفه كل من في ملكوت الارض و السموات بما تجلّى لهم بهم» و با این آیه خاتمه می‌یابد: «و اسئل الله العفو في كل شأن فانه هو الولي في المبدء و الاياب و سبحان الله رب العرش عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.»
مجموع آن ۶ صفحه، ۱۶ سطری و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است. ۴۳

۱۹- تفسیر دعای صباح

تفسیر این دعا که از حضرت علی امیر مؤمنان روایت شده^{۴۴} به خواهش آقا سید ابوالحسن فرزند آقا سید علی زنوزی در ماکو نازل شده و متضمن نکات و دقائق فراوان از مسائل عرفانی و فلسفی اسلام و مملو از شواهد آیات و احادیث است و صباح به ظهور صبح ازلی یعنی مظهر مشیت الهی تأویل شده است. ابتدای تفسیر با خطبه شروع شده است. آغاز آن «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ابدع ما في السموات و الارض بامرہ و يحكم بين الكل بالقسط في يوم الذي فيه كل الى الله يحشرون» و پایان آن «اتنى انا اقول بما قال الله عز ذكره سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين.»

مجموع آن در حدود ۲۴۰ سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه می‌باشد. ۴۵

۲۰- تفسیر «یا من دل علی ذاته بذاته»

این تفسیر به خواهش میرزا محمد علی مذهب و ظاهراً قبل از ایام اصفهان از قلم مبارک جاری شده. ابتدای آن خطبه‌ای نازل شده و سپس در جواب سؤال سائل شرح مبسوطی در باره «یا من دل علی ذاته بذاته»^{۴۶} مرقوم فرموده‌اند و در خاتمه اشاره به معنی «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^{۴۷} نیز شده است. این اثر متضمن بیان مفهوم حقیقی معرفت و با استشهاد از آیات و احادیث همراه است.

آغاز آن با «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ابدع كل ذوات الموجودات بامرہ لا من شيء، ليدلن السنة كل الممكنات بما شهد الله لنفسه بنفسه في مقامات الامر و الخلق» و پایان آن با آیه «لان وجودی ذنب فكيف اذ اكتسب الذنب ذنباً آخر و سبحان الله رب العرش عما يصفون و اتنى انا اقول كما نزل الله في القرآن و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين» است.

تعداد صفحات ۷ صفحه و هر صفحه ۱۹ سطر و هر سطر در حدود ۱۴ کلمه است. ۴۸

۲۱- شرح حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»

این حدیث از حضرت رسول اکرم روایت شده^{۴۹} و در آثار مبارکه نیز مکرراً به آن استشهاد شده و حضرت بهاء الله نیز تفسیری بر آن نازل فرموده‌اند. اساس تفسیر حضرت نقطه بر این نکته است که عرفان نفس شمس حقیقت، راهنمای انسان به شناسائی حقیقت ربوبیت است. در متن این اثر مبارک به آیات و احادیث زیادی برای تفهیم و توجیه مطلب استشهاد فرموده و در ابتدای آن مخصوصاً راه و رسم طلب و درک حقیقت را بیان فرموده سائل را به انصاف و انقطاع از غیر حق توصیه می‌فرمایند.

ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم قال السائل سلمه الله تعالى ما معنى الحديث المروى عن علي عليه السلام» الخ الحديث و پایان توقیع «و لا تؤتوا السفهاء اموالکم فاناً لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین» است.

تقریباً ۱۳۵ سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه است. ۵۰

۲۲- تفسیر حدیث کمیل (ابن زیاد نخعی)

این حدیث به نام حدیث الحقیقه نیز معروف است. ۵۱ مفهوم کلی آن بیان و توضیح مراتب و مدارج دریافت حق و حقیقت است و حضرت نقطه در این تفسیر آن را به مراتب شناسائی کمیل از نفس حضرت علی امیر مؤمنان تأویل نموده‌اند و ناتوانی او را از این مقصد تصریح فرموده‌اند. با توجه به مطلب می‌توان دریافت که مقصود حضرتش قصور عام از شناسائی مظاهر حق است. در آثار دیگر حضرت نقطه نیز به این حدیث اشاره شده و مخصوصاً در «دلایل سبعة» مراتب مختلفه، آن را با پنج سنه، اول ظهور خود تطبیق فرموده و در تأویل آن به شهادت وجود مبارک اشاره فرموده‌اند.

ابتدای آن «تفسیر حدیث کمیل فی سؤال ما الحقیقه و هو ان کمیل بن زیاد النخعی اردفه علی علیه السلام يوماً علی ناقته... فاعلم ان کلامه علیه السلام محیط لكل شیء و جار فی کلّ العوالم...» و انتهای آن «فاعرف قدرک و اکتّمها الا عن اهلها فاناً لله و انا الیه راجعون.»

حجم آن متجاوز از ۶ صفحه، ۱۶ سطری و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است. ۵۲

۲۳- تفسیر حدیث ابولید مخزومی

ماخذ این حدیث تفسیر صافی ۵۳ ذیل «الم» در سوره بقره است.

بنا بر نظر جناب فاضل مازندرانی این تفسیر به خواهش جناب وحید اکبر نازل شده و با توقیع الفین ارتباط دارد. (اسرار الآثار، ذیل الف).

حضرت نقطه در این اثر حروف مقطعه را بمانند حروف منظمه حاوی همان حقائق و دقائق معرفی می‌فرمایند و ذهن مخاطب را از توقیت (تعیین وقت ظهور قائم و همچنین قیامت) به عظمت ظهور خود معطوف می‌دارند. اگرچه در این اثر حضرت نقطه ادعای استقلال را تصریح فرموده ولی با اشاره به اختلاف علماء و مجتهدین، به ضرورت ظهور نفسی که اختلافات را بردارد تأکید نموده و این رتبه را اظهار و ادعا فرموده‌اند. شواهد اخبار و مخصوصاً اشاره به قول شیخ احمد که ذکر «ستعلمن نبأه بعد حین» نموده همه در تأیید این مطلب است.

ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي جعل طراز الواح الاختراع اسرار الابداع التي عينت قبل ما شئت» و با این بیان خاتمه می‌یابد: «و السلام عليك و علي من اتبعك في امر الله و الحمد لله رب العالمین.»

حجم آن بالغ بر ۱۸ صفحه، ۱۹ سطری و هر سطر ۱۰-۱۲ کلمه است. ۵۴

۲۴- شرح بر شرح خطبه، طتنجیه

خطبه، طتنجیه از آثار حضرت علی امیر مؤمنان است ۵۵ که بر آن جناب سید کاظم رشتی شرحی مرقوم فرموده و هیکل اطهر بر شرح مزبور شرحی برای تفصیل و توضیح صادر فرموده‌اند. این اثر

در حقیقت متضمّن ابلاغ امر و اظهار مقام مبارک نیز هست و به اتکاء محاسبات اعداد و حروف و اصطلاحات مربوطه به اسم مبارک خود نیز اشاره می‌فرماید. در موارد ذکر جناب سید کاظم، مشارالیه را با عناوین «کلمة الحقّ» و «کلمة العلیّة» می‌ستایند. ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم قال مولانا علی علیه السلام فی خطبة الطّنجیّة علی قائلها آلاف الثّنا والتّحیّة» و آخر آن «فلمثل هذا فلیجزی العالمین و سبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین» می‌باشد.

مجموعاً ۴ صفحه، ۱۶ سطری هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است. ۵۶.

۲۵- تفسیر حدیث جاریه

این حدیث که از امام صادق روایت شده مختصرش این است که روزی آن حضرت با کمال غضب از منزل مسکونی خویش به مجلس اصحاب تشریف آوردند و فرمودند که مردم در حقّ ما گمان علم غیب دارند و نمی‌دانند که جز خدا کسی به غیب آگاه نیست و من می‌خواستم که فلان کنیزکم را بزنم و تنبیه کنم و او فرار کرد و بالاخره ندانستم در کدام محلّ از خانه است. ۵۷. ابتدای این اثر مبارک چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله تعالی فاقول مستعیناً بالله فی تفسیر بعض احادیث المروّی فی الکافی فی ذکر علم الغیب عن سدید» و خاتمه، آن «و هو علیه السلام فی مقامه و وحدته لا ذکر لکثرات هنا ابدأ و سبحان الله عمّا یصفون و الحمد لله ربّ العالمین.»

تفسیر مبارک مبنی بر تأویل بطور مطلق و اثبات علم و احاطه، امام است. امام در مقام توحید است و جاریه (کنیز) نمودار مقام کثرت است و این بیان و گفتار امام به ظاهر برای ضعفای عباد و در مفهوم حقیقی، اظهار عظمت شأن و جلالت آن حضرت می‌باشد.

مجموعاً در حدود ۴۰ سطر و هر سطر در حدود ۱۴ کلمه است. ۵۸.

۲۶- تفسیر حدیث «ما من فعل یفعله العبد من خیر او شرّ الاّ و لله فیه قضاء»

این حدیث منسوب به حضرت رضا امام هشتم است ۵۹ و با «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذی ابدع ما فی السموات و الارض بامرہ ثمّ الذین آمنوا بالله و آیاتہ فاولئک هم الی الله یحشرون» آغاز و به این آیه: «فاذا عرفت ما عرفت فاشهد سرّ القدر فی حکم مقدّر و الآ فاسلم تسلّم و سبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین» خاتمه می‌یابد.

حجم آن متجاوز از ۲۵ سطر و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است. ۶۰.

این اثر از آثار مهمّه و در عین اختصار حاوی اشارات دقیقه راجع به مراتب سبعة، خلق (مشیّة، اراده، قدر، قضا، اذن، اجل و کتاب) است و متضمّن اشاره به وجود و ماهیّت و اصالت آنها و مقام اختیار موجودات می‌باشد. این مسائل از امّهات مباحث فلسفه است و موضوع اصالت وجود یا ماهیّت و یا هر دو که معتقد علیه شیخیّه است حائز نتایج علمی و عملی هر دو است که از بحث این مختصر خارج است. حضرت نقطه، اولی عقیده، شیخ را در این مورد تأیید فرموده‌اند.

۲۷- تفسیر حدیث «علمنی اخی رسول الله علم ما کان و علمته علم ما یکون»

طبق بعضی از نسخ، این تویق در جواب والی شوشتر صادر شده است. ۶۱. شروع آن «بسم الله

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي الهم من في السَّمَوَاتِ وَ الارض حكمة لثلاً يحتجب احد عن ظهور نور طلعتة الَّذِي قد اودع في مقامات الامر و غايات الخلق» و با این آیه خاتمه می‌یابد: «و اسئل الله العفو فی کلّ شأن اَنه هو مولی الموحّدين فی عالم الاسماء و الصّفات و کفی العبد فی المبدء و المآب و سبحان الله ربّ العرش عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله ربّ العالمین.»^{۶۲}

این اثر کلاً در باره مسائل فلسفی و بیان و توضیح مقام مشیّت و مقام اراده از مراتب سبعة، خلق می‌باشد و مقصود از مشیّت به رسول اکرم و از اراده به مظهر ولایت یعنی حضرت علی تفسیر شده است.

۲۸- بیان مسئله، قدر

این اثر مبارک در تفسیر آیه قرآنی «الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ»^{۶۳} و بیان «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین»^{۶۴} نازل شده است. مفهوم توجیه مبارک از این مطلب و حدیث را می‌توان چنین خلاصه کرد که از نفوس انسانی تنها آنان که به کسب فیض از مقام فؤاد (یعنی رتبه، مظاهر برگزیدگان الهی) رسیده و از عوالم بشری بریده‌اند قادر به درک نکته، جبر و تفویض می‌باشند. علت عدم درک بشری آن است که چون مقام قدر و عالم امکانی از یکدیگر جدا نیستند افراد انسانی که جزئی از عالم امکانند قادر به درک حقیقت تقدیر نمی‌توانند شد. حقیقت مسئله، جبر و تفویض را باید در مفهوم سؤال الهی در عالم ذرّ (الست بریکم)^{۶۵} جستجو کرد که دالّ بر اختیار است، زیرا اگر اختیار نبود این سؤال و جواب معنی و مفهومی نداشت. از تلفیق این دو مطلب یعنی اتحاد مقام قدر و عالم امکان و اصل اختیار انسان، مفهوم حدیث معروف معلوم می‌شود که انسان در موارد روحانی مختار و در مسائل امکانی مجبور است.^{۶۶}

ابتدای اثر با «بسم الله الرحمن الرحيم قال الله تعالى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَ الَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ وَ قَالَ الصّادق علیه السّلام لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» و خاتمه، آن «و ذلك مقام عبوديته الرقیة من الشیعة الامام علیه السّلام و الحمد لله ربّ العالمین» است.

جمعاً متجاوز از ۴ صفحه، ۱۶ سطری و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است.^{۶۷}

۲۹- بیان حدیث «ذات علیّ مسوس بذات الله»

در این اثر حضرت نقطه، اولی به استناد کلمات حضرت امیر مؤمنان مقام حضرتش را به مفهومی که حکایت از ازلّیت و ابدیّت دارد تبیین فرموده‌اند. مفهوم بیان آن است که حضرت علی مظهر و منسوب به ذات الله است ولی از ذات مطلق الهی جدا است و برای تقریب مطلب به اذهان، نسبت حضرتش را با نسبت کعبه که بیت الله نامیده می‌شود مقایسه فرموده و جنابش را با عنوان «ذات الله ظاهره در ملکوت امر و خلق» مشخص نموده‌اند. در این مقام با اشاره به آیه، قرآنی «یحدّركم الله نفسه» (آل عمران (۳)، ۲۸) و تفسیر امام صادق که «ای یحدّركم ان لا تجعلوا محمداً مصنوعاً و اَنه لو كان مصنوعاً لكان الذّات محدثاً مصنوعاً»، مقام فوق انسانی و الهی آن حضرت را بیان فرموده‌اند. با دقت در متن اثر می‌توان دریافت که در ورای ظاهر مطالب، اشارات لطیفه به مقام حضرتشان نیز آمده است.

ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله المتعالی عن ذکر الذّات بالذّات للذّات و المتقدّس عن

ذکر الاسماء و الصفات» و آخر آن «و الله من ورائه محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ و سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین.»
مجموعاً قریب به چهار صفحه، ۱۶ سطر و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است.^{۶۸} این اثر مبارک در ابتدا با خطبه آغاز شده است.

۳۰- تفسیر حدیث «کلّ یوم عاشوراء»^{۶۹}

در بیان این مطلب، حضرت نقطه اشارات و توجیهاً متعدد مرقوم فرموده از جمله همه ایام را به مناسبت عظمت شأن و مقام حضرت سید الشهداء در ظلّ آن یوم ذکر فرموده‌اند. تأویل دیگر آنکه ازمنه و ایام به تناسب عالم امکان است و عوالم ابدی سرمدی الهی چون از مفهوم زمان و تغییر و تغیر مبراً است لذا روز به مفهوم زمانی در آن جائی ندارد و اگر آن را به اسم یوم نام بگذاریم یوم واحد خواهد بود. آغاز آن «بسم الله الرحمن الرحيم ما تفسیر هذا الحدیث کلّ یوم عاشوراء الجواب لم اراه فی محلّ ولا سمعته من العلماء حتی ایقن بصحّته ولكن فی الالسن مشهور» و پایان «سبحانه سبحانه و هو المعنی الّذی لا یقع علیه اسم و لا شبه و هو باب حطّة و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم.»

جمعاً متجاوز از دو صفحه و نیم و هر صفحه ۱۶ سطر و هر سطر ۱۲-۱۴ کلمه است.^{۷۰}

۳۱- شرح کلام جناب سید رشتی «ان سیأتی زمان یقرء الحمد لله رب العالمین بکسر الهمزة و الرّاء و یكون صحیحاً»^{۷۱}

اگرچه مخاطب این توقیع معلوم نیست ولی از شواهد کلمات و بروز عنایات هیکل مبارک به نظر می‌رسد آقا سید جواد کربلائی بوده است. بیان مبارک متضمّن این نکته است که اعراب الفاظ و استعمال لغات همه در اختیار مظهر حقّ است که در توقیع به عنوان آل الله معرفی شده است. یا به عبارت دیگر نشان اظهار قدرت و اختیار مظهر الهی در هر ظهور جدید است. ابتدای آن را با خطبه‌ای آغاز فرموده و در متن، بغیر از مطلب که قسمت محدودی از توقیع را در بر می‌گیرد کلماتی به شأن آیات و آیاتی به عنوان رجز نیز نازل فرموده، مقام و دعوت خود را صریحاً اظهار فرموده‌اند.

آغاز آن «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الّذی جعل طراز الواح صبح الازل طراز الالف القائم بین البائین» و خاتمه «بلغ ذلك الجواب الی الكلّ فان السیّل لا ینحدر عن الدلیل و لا الطیر لا یرقی الی السبیل و انا لله و انا الی ربنا لمنقلبون سبحان ربك رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین.»

جمعاً ۹ صفحه و هر صفحه ۱۹ سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه است.^{۷۲}

۳۲- تفسیر دعای «آمنت بسرّ آل محمد»

اگرچه در خلال آثار حضرت نقطه مطالب تفسیری که به لسان فارسی باشد زیارت شده است اما نه فراوان است و نه مستقلّ. ولی در توقیعی خطاب به خال اکبر^{۷۳} پس از خطبه، مهیمن عربی، تفسیری بر دعای مزبور به زبان فارسی از قلم مبارک صادر شده است که مبتنی بر تطبیقات عددی و نکات مربوط به حروف می‌باشد. درک نکات و حقائق آن مستلزم آشنائی با آثار مبارک و

اصطلاحات شیخ و سید است. اصل این توقیع در قسمت آثار مبارکه، مندرج در این مجموعه نقل شده است.

۳۳- تفسیر حدیث «لو كان الموت يشترى لاشتراه المؤمن والكافر»^{۷۴} و حدیث عماء این تفسیر در جواب نفسی به نام یحیی نازل شده که احتمالاً جناب وحید اکبر مقصود است. ملخص مطلب آن است که موت در نظر اهل حقیقت مفاهیم متعدده دارد از جمله اینکه حیات هر شیء به مدد الهی است و این مدد مستمر است و حالت قبل از هر مدد موت است و مدد جدید تجدید حیات. زیرا مقصد از خلق و آفرینش بقا است نه فنا و هر موتی فنای از عالم ادنی و بقا در مقام اعلی است. حضرت نقطه با استشهاد به «فتمنوا الموت ان کنتم صادقین» و حدیث «لابن ابی طالب لکان اشد اشتیاقاً بالموت علی الصبی بئدی امه»، علت اشتیاق مؤمن به مرگ را ذکر فرموده چه که وسیله وصول به عالم الهی است و اما سبب آرزوی کافر آن است که چون از قصور اعمال خود آگاه گردد و به عظمت جزای آن پی برد به یقین بداند که هر چه بیشتر در دنیا بماند بر شدت عذاب او افزوده خواهد شد. لذا مرگ را برای تخفیف عذاب می طلبد.

بیان مبارک در باره حدیث عماء «ان الله كان في عماء فوقه هواء و تحته هواء»^{۷۵} بر اساس آن است که کلمه، عماء حاکی از آن است که چشمها همه از دیدار او اعمی و نایبنا است و همه اصطلاحات ازل و قدم و عماء که در آثار الهیه نازل شده نظر به ضعف نفوس عباد است و حق از آنها مبرا است. مقصود از عرش، علم و قدرت اوست و استواء بر آن اشاره به تجلی مظهر الهی بر عباد می باشد.

در این توقیع شواهد قرآنی و احادیث مکرر است و ابتدای آن با خطبه مهیمنی آغاز می شود. تطبیقات اعداد و حروف و ذکر اکسیر نیز در آن آمده است. به مراتب هفتگانه، خلق نیز اشاره شده و مضاعف و مکرر آن که معادل حروف کلمه «ید»، «وجه»، «جواد» و «وهاب» است بیان گردیده است و در آخر به مناجاتی ختم شده است.

ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الذي بیده ملكوت السموات و الارض لا اله الا هو المتكبر الواحد الاحد المقتدر الفرد الصمد الذي لم يزل هو كان و لم يكن معه من شيء» و پایان مناجات «و انك انت الظاهر المقتدر و الباطن المتكبر العلي الوهاب سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين»

جمعاً ۲۸ صفحه و هر صفحه ۱۶ سطر و هر سطر در حدود ۱۲ کلمه است.^{۷۶} بنا بر بیان مبارک منقول در یکی از آثار جناب فاضل مازندرانی، تفاسیر و شروح زیر در سفر حج به سرقت رفته است.^{۷۷}

- شرح سوره بقره به لحن آیات و تفسیر سوره یوسف در دو قسمت.
- شرح «آية الكرسي»، ۲۰۰ سوره و هر سوره ۱۲ آیه.
- شرح مصباح، احتمالاً مصباح الشریعة از امام صادق.
- شرح قصیده حمیری، ۴۰ سوره و هر سوره ۴۰ آیه.
- احتمالاً مقصود از حمیری سید اسمعیل بن محمد حمیری شاعر شیعه مذهب معاصر حضرت امام

صادق است.

ج- شواهدی از تفاسیر نازله

در این مبحث برای اینکه از بحر ذخار تفاسیر مبارک خوانندگان عزیز را بهره‌ای حاصل گردد شواهدی از آن آثار مبارکه التقاط شده است. ولی حاشا که بتوان گفت حقّ مطلب بجای آمده زیرا وسعت مآرب و عظمت مطالب کلمات و آیات مبارکه، این امر اعظم و رای آن است که در مقیاس نارسای ادراک کوتاه بنده‌ای از بندگان ناتوان محدود شود. با اینهمه به مصداق این حقیقت:

آب دریا چون نمی‌شاید کشید پس بقدر تشنگی باید چشید

کوششی در عین ناتوانی و نارسائی شده است.

- در شرح «من عرف نفسه فقد عرف ربه»، آیات ۲۸ و ۲۹ از سوره ابراهیم (سوره ۱۴) به شرح زیر تفسیر شده است.

الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله (ای معرفته) کفرأ و اهلوا قومهم دار البوار جهنم يصلونها و بئس القرار فسوف يلقون غيآ و يحسبون انهم يحسنون صنعا (كلآ تجرى من قلوبهم الهاوية على لسانهم نار الشرك و سموم الكفر و لا يشعرون.)

در حقیقت آیه فوق ترکیبی از آیات ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم، آیه ۵۹ سوره مریم و آیه ۱۰۴ سوره کهف می‌باشد و آنچه بین الهالین مشخص شده از قلم حضرت نقطه صادر گشته و در شأن علمای سوء و رهبران به گمراهی است.

اگرچه کلمه، نعمة الله در قرآن مکرر است و در موارد مختلفه حاکی از هدایت و رحمت الهی است ولی تفسیر آن به معرفت الله بطور مطلق، تازه و بدیع است.

- در تفسیر بقره ذیل آیه ۱۱۶ «و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فى السموات و الارض كلّ له قانتون» چنین نازل: «ان الذين يقولون ان بين الله و بين خلقه ربطاً و يعتقدون ان علة الخلق ذات الحق و مبدع الابداع ذاته فقد اتخذ لله ولداً سبحانه و تعالى عما يقول الكافرون علواً كبيراً. ما كان بين الله و بين خلقه فصل و لا وصل و علة الاشياء صنعه و مبدع الابداع فعله.» بیان مبارک فوق تعبیر دیگری از این حقیقت است که ذات ازلی از هر گونه توسل و وصولی برتر است و آنچه هست صادر و مخلوق از اراده «مشیت اولیه» می‌باشد. لازم به توضیح نیست که علمای تفسیر آیه را در باره مسیحیان دانسته‌اند اما کیست که در این نکته تردید کند که تفسیر حضرت نقطه، اولی از این آیه، مبارکه، عظمت و کیفیتی شامل و جامع دارد و آفاق جدیدی از معرفت بر اهل تحقیق می‌گشاید.

- در ذیل آیه سوم سوره بقره، در تفسیر مبارک راجع به غیب (الذين يؤمنون بالغيب الخ)، نخست آن را به مفاهیم زیر توجیه می‌فرمایند:

رسول اکرم مظهر غیب است زیرا حقیقت وجود او را جز خداوند تعالی کسی نمی‌شناسد و تفصیل مقام غیب رسول، قائم موعود است. چه که بر این مطلب، بیان امام صادق در جواب سؤال از مفهوم غیب در آیه، مزبور صراحت دارد که فرمود: «هو الحجة الغائب»^{۷۸} و علی امیر مؤمنان

مظهر غیب است که فرمود: «ظاهری امامه و باطنی غیب منیع لا یدرک.» بیان مبارک بعد از این مقدمات حلال مشکلات است که می‌فرماید: «للغیب مراتب غیر متناهیة... کون سلسلة العالی کان غیب سلسلة السافل هكذا یجری فی کلی و جزئی من الحقائق و الصّفات الی ما لا نهاية بما لا نهاية و ذلك فی سلسلة الحدود و الکثرات و اما عند اهل البیان الغیب نفس الشّهادة و الشّهادة نفس الغیب و لا یعلم الغیب الاّ الله.»

از این بیان دو مطلب مستفاد می‌توان داشت. نخست آنکه در تمام مراتب روحانی و امکانی، همه امور موکول به تدریج و ترتیب و متناسب با ترقی و تکامل است و آنچه اکنون در عوالم غیب پنهان است دیر یا زود آشکار و معلوم خواهد شد.

دیگر آنکه در آستان مظاهر حق (اهل البیان) خفا و ظهوری نیست. اگر این بیان با بیان حضرت صادق که مقصود از غیب حجة موعود است تطبیق شود اشاره لطیف آن که حاکی از اشاره به مقام مبارک حضرت نقطه است بهتر مفهوم می‌شود.

- در ذیل آیه ۳۲ سوره بقره «قالوا سبحانک لا علم لنا الاّ ما علمتنا الخ» راجع به یوم قیامت چنین نازل: «و المراد بیوم القیامة یوم لقاء الرّبّ و هو یوم البدایة و لا بداء له و هو یوم القیامة و لا نهاية له سبحان الله موجدہ عمّا یصفون.» باید توجه داشت که این تفسیر چهار ماه قبل از اظهار امر اولیه و نزول قیوم الاسماء از قلم مبارک صادر شده. ولی مطلب قیامت به همان کیفیت و مفهومی است که در کتاب مستطاب بیان نازل گردیده است.

- اصطلاح «امر» در کتاب قرآن مجید مکرر آمده است اما در یک مورد صراحت به دوره ادیان دارد که در حدود یکهزار سال تعیین شده است.

در سوره سجده آیه ۵ این آیه نازل: «یدبّر الامر من السماء الی الارض ثمّ یرجع الیه فی یوم کان مقداره الف سنة بما تعدّون.» تصفّحی در آیات قرآنی این نکته را تأیید می‌نماید که اصطلاح «تدبیر امر» به معنی تنزیل و تأسیس شریعت است (الرعد ۱۳)، آیه ۲ و یونس (۱۰)، آیه ۳) اما علمای تفسیر به این نکته توجه دقیقی نکرده و چنین مطلبی را نپذیرفته‌اند.

حضرت نقطه، اولی در تفسیر سوره یوسف یعنی قیوم الاسماء صریحاً «امر» را به ظهور خویش تأویل فرموده‌اند: «انا نحن قد نزلنا الامر من بینکم لتعرفوا بارئکم الذی قد خلقکم و الذین من قبلکم و ان تجدوا فی دین الله الحقّ بالحقّ تبديلاً... یا عباد الرحمن تالله لقد جائکم الامر من عند الله العلیّ عظیماً یا اهل الارض ان توقّفوا فی امر کلمتنا بعد هذا الكتاب اقلّ ممّا یحصی الكتاب فی امّ الكتاب حفیظاً تالله لنوقفنکم علی الصراط الفی الف سنة علی الحقّ جزاء سیئتکم عدلاً بمثله و ما کنا لنظلم علی العالمین من ذرّ القطمیر قطمیراً.» (سورة التبلیغ (۳۰))

- در تفسیر «انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال الخ» (قرآن، سوره احزاب (۳۳)، آیه ۷۲) در قیوم الاسماء چنین نازل: «و انّ الله قد عرض ولایتنا علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها فحملها الانسان ذکر الله الكبير هذا علیاً و لذا قد کان فی کتاب الله الحفیظ علی اسم المحيط ظلوماً و فی ایدی الناس ممّن لا یعرفه من حکم الكتاب جهولاً» که حکایت از مظلومیّت و مجهولیّت قدر حضرتش در دست اعدا دارد. ترکیب و اندراج آیه قرآنی

در آیه، قیوم الاسماء جالب نظر اولوالابصار است.

- در تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» ذیل حرف «حاء» الرحمن، بیان زیر در تأویل «مرج البحرین یلتقیان» (سورة الرحمن (۵۵)، آیه ۱۹) زیارت می‌شود.

«و هو قول الله الحق مرج البحرین یلتقیان و هما بحر العلویة و الفاطمیة بینهما محمد برزخ النبوة لا یبغیان ینخرج منهما اللؤلؤ و هو الحسن و لون اللؤلؤ بیضاء و هو روحی فداه مظهر ابیه فی الوحدة و هو مظهر اسم الله الصمد لکمال بساطته و وحدانیته لم ینخرج الاثمة من صلبه و المرجان هو الحسین الشہید و المرجان لونه الحمراء لظهور الکثرة و الشئون من اطوار الجلال و الجمال و هو روحی فداه اب الاثمة الاطهار و سماه الرحمن ابا عبدالله و العبودیة المطلقة منحصره فی اولاده الاثمة الاطهار.»

همین تفسیر از دو دریا به مفهوم مطلق مرد و زن در مناجات صادره از قلم مبارک حضرت عبدالبهاء در باره، ازدواج نیز زیارت می‌شود.

- در تفسیر مبارک والعصر در باره، مراتب و معنی صبر این آیات آمده است. در تفسیر حرف صاد «من الحرف الخامس و الستین (حروف آیات سوره، والعصر) حرف الصاد صبر العبد علی قضاء بارئه ثم صبر العبد علی طاعة ربه ثم صبر العبد علی المعصية ثم صبر العبد علی المصيبة و لكل درجات بما عملوا و ان الله لیجزی العالمین.» سپس در آخر تفسیر «ان الصبر هو المقام الّذی ینبغ العبد بمقام الرضا الّذی لن ینتار لنفسه الا ما اختار الله له و لا یری لنفسه هواء و لا ذکر الا ما نزل الله فی مقام نفسه و اختار له فی مقام سرّه.»

بی شک تعریف اخیر از صبر در بیان مفهوم این سنجیه، مبارک بسیار عمیق است زیرا در مراتب بشری، صبر بر طاعت و بندگی با صبر بر اجتناب از معاصی با یکدیگر شباهتی ندارند.

- در ذیل تفسیر حرف الف از «هو الابر» در تفسیر مبارک کوثر، بیانی نازل که دلالت بر عظمت ظهور دارد و احتمالاً بشارت به ظهور حضرت بهاء الله است.

«ثم اسم الله المکنون المخزون الاعظم الطهر الطاهر المبارك الّذی تجلی الله له به بانوار اسماء الثلاثة و جعله مقام الاول فی البهاء و مقام الثانی فی الثناء و مقام الثالث فی الطور السیناء و مقام نفسه فی القضاء و البداء و هو الّذی ظهر نوره علی جبل فاران بربوات المقدس و علی جبل حوریب بجنود ملائكة العرش و السموات و الارضین و علی قبة الزمان بنبا الاولین و الآخرين و علی الطور بالشجرة المباركة ان یا موسی ان الله ربی و ربک لا اله الا هو رب العالمین و سبحان الله موجدہ عما یصفون.»

دقت در مفاهیم این بیان مبارک ارتباط آن را با بشارت سابقه و اشارات اسلامی^{۷۹} روشن می‌سازد. ذکر اسم اعظم الهی که مکنون است و سپس اظهار و اثبات احاطه، قدرت و سلطنت او بر ظهورات سابقه و شمول آن مراتب بر اولین و آخرین و تجلی او در طور بر شجره، مبارکه و بالاخره تمایز و تفاوت او با ذات الهی به مدلول «سبحان الله موجدہ عما یصفون» همه از این حقیقت حکایت دارد که منظور از بیان مبارک، اشاره به غیب مطلق نبوده بلکه مقصود ظهور کلی الهی است و اگرچه ممکن است در بادی نظر تصور شود که اشاره به ظهور مبارک خود فرموده، شواهد دیگری وجود دارد که این احتمال را مشکوک می‌سازد. از جمله در همین تفسیر می‌فرماید: «قل فویل

لكم ان شجرة الطور قد نبتت في صدرى فكيف انتم مستمعون آيات الله و لا تشعرون» که اگرچه صراحت و دلالت بر عظمت شأن مبارك و نزول وحی از صدر اطهر آن حضرت دارد مع ذلك در مقایسه با شاهد قبلی می توان گفت که دو مقام در حدّ و شأن یکسان نیستند و در این اثر مبارك، حضرت نقطه ظهور خود را با ظهور حضرت کلیم مشابه شمرده ولی در مورد خاصّ مذکور در ابتدای بحث، اشاره به ظهوری اکبر و اعظم فرموده است. لازم به توضیح نیست که این مورد بالکل تأویلی است و نه در حرف مربوطه و نه در آیه و سوره، مذکوره چنین تلویحی به نظر نمی رسد جز آنکه مظهر وحی و بیان الهی عنوان تفسیر را برای ایجاد آمادگی در مخاطبان اختیار فرموده است.

- بیان زیر از کتاب مستطاب بیان در تفسیر حدیثی است که به امام صادق منسوب است. «این است سر قول مرحوم شیخ (ع) در وقتی که کسی از ایشان سؤال نموده بود از آن کلمه‌ای که حضرت می فرماید و سیصد و سیزده نفر که در آن روز اتقیای آن ظهورند متحمّل نمی شوند و حضرت صادق (ع) ذکر کاف در حق ایشان می کند. ۸۰ بعد از نهی بسیار که نمی توانی متحمّل شوی فرموده بودند که اگر حضرت ظاهر شود و بگوید که دست از ولایت امیر المؤمنین (ع) بردار، تو برمی داری، فی الفور ابا و امتناع نموده بود که حاشا و کلاً. و ظاهر است نزد اهل حقیقت که کلمه را از لسان حضرت به او شنودند و او چون متحمّل نشد کافر شد ولی ملتفت نشد. و این از آنجائی است که نظر به مبدء امر نمی کند و ظهور حضرت را غیر ظهور رسول الله (ص) می بیند. و اگر ظهور حضرت را مثل ظهور رسول الله (ص) مشاهده کند بالنسبه به ظهور عیسی (ع) متحمّل می گردد کلمه‌ای که اوسع تر است از سماء مقبولات و ارض قابلیات ولی چون نظر نمی کند ادقّ می گردد از برای او از شعر و احد می گردد از سیف. نه این است که مراد ناطق این بوده که دست از ولایت امیر المؤمنین (ع) بردارد زیرا که این امری است ممتنع و لم یزل و لایزال نور آن حضرت در مظاهر خود بوده و هست. بلکه مراد این بوده که در آن ظهور به اسم امیر المؤمنین بوده و در این ظهور به آن اسم محتجب مشو چنانچه بعینه امیر المؤمنین (ع) در زمان رسول خدا (ص) همان وصی عیسی (ع) بود در زمان او بعد از عروج آن. و نزد هر ظهوری اگر نظر کنی به مبدء امر، صراط اوسع می گردد از هر شیء اوسعی که در امکان است و اگر محتجب گردی ادقّ می گردد از هر شعری که تواند علم تو به او احاطه نمود. و اگر کلّ مؤمنین به بیان بصیرت ایشان در حدی رسد که کلّ در محلی باشند مثل ذکر طواف و آن شجره، حقیقت يك نفس در مابین این کلّ و امر فرماید نفسی را که آیات خود را بخواند بر آنها اگر فی الفور تصدیق نموده، حکم ایمان بر ایشان جاری والا حکم ایمان از ایشان مرتفع می گردد چگونه رسد و طواف که شأنی از شئون دین ایشان است و بدان که آنچه کلّ دارند از فضل شجره حقیقت است نه دون آن.»^{۸۱}

- تفسیر و تأویل در آثار حضرت نقطه دامنهای وسیع دارد. مثلاً نفوس مبارکه، قبل با مظاهر مقدسه، بعد مکرر در آثار مختلف تطبیق شده اند. برای نمونه حضرت یوسف در قیوم الاسماء با عناوین «کلمتنا العلی» (سوره التوحید- سوره ۸)، «یوسف الباب» (سوره السیناء- سوره ۱۹) «یوسف الحق» (سوره الشجره- سوره ۲۱)، «یوسف الاحدیة» و «یوسف البدء» (سوره

التَّحْلِيث- سوره ۹۰) به شخص حضرت نقطه تأویل شده است. حتی در موردی مانند «یوسف الحق»، هیکل اطهر و حضرت سید الشهداء هر دو منظوراند و اشاره‌ای بسیار لطیف به ظهور موعود کلی یعنی من ینظره الله است.

و یا در تفسیر بقره حروف «الم» به رسول اکرم و امیر مؤمنان و حضرت فاطمه تأویل شده است و از اجتماع لام و میم که حروف حضرت علی و حضرت فاطمه منظور است کلمه «کن» مقدر گشته و آسمانها و زمین از آن برافراشته شده است.

مواردی که اشاره شد جلوه‌هایی از تأویل و تفسیر در آثار حضرت نقطه اولی است اما در حقیقت تأویل بطور اخص در آثار مبارک به کیفیتی است که تنوع و تطور آن محدود به هیچ اسلوب و روش و تقسیمی نیست.

یادداشت‌ها

- ۱- الفرقان (۲۵)، ۲۳.
- ۲- فسر و تفسیر مصادر ثلاثی مجرد و مزید و هر دو به معنی بیان کردن و توضیح دادن است و ریشه آنها فسر و فسر است و ثلاثی مزید تأکید ثلاثی مجرد آنست. تأویل ثلاثی مزید اول و آل است. فعل مجرد آل به معنی «برگشت» و فعل ثلاثی مزید اول متضمن معنی «به اصل برگردانید» می‌باشد.
- ۳- خلاصه‌ای از لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه «تفسیر».
- حدیث زیر اگرچه متضمن ذکر تفسیر و تأویل نیست ولی حاکی از تنوع و تعدد مفاهیم کلام الهی است. امیر المؤمنین علی فرموده: «ان کتاب الله علی اربعة اشياء علی العبارة و الاشارة و اللطائف و الحقائق فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للاولیاء و الحقائق للانبياء.» (عوالی اللطائف العزیزیه، جلد ۴، ص ۱۰۵).
- ۴- التعریفات (میر سید شریف جرجانی) مکتبه لبنان، بیروت ۱۹۷۸، ص ۵۲ و ص ۶۵.
- ۵- آل عمران (۳)، ۷. در آثار حضرت نقطه، راسخان در علم به ائمه اطهار تفسیر شده است. بیان، واحد هفتم، ۶.
- ۶- الاعراف (۷)، ۵۳ و یونس (۱۰)، ۳۹.
- ۷- سوره الایمان در تفسیر آیه «انا انزلنا قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون» (یوسف، ۲) است.
- ۸- سوره العلم در تفسیر آیه «قالوا تالله انک لفی ضلالک القديم» (یوسف، ۹۵) است.
- ۹- سوره المؤمنین در تفسیر آیه «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثاً یفتری ولكن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمة لقوم یؤمنون» (یوسف، ۱۱۱) است.
- ۱۰- لجنه، محفظه آثار امری ایران.
- ۱۱- شاید علت توجه نفوس مختلفه مسلمانان به سوره مبارکه احسن القصص کیفیت عاطفی اخلاقی آن و شخصیت روحانی نافذ حضرت یوسف از خلال آیات آن است. با اینهمه مفسرین به مفهوم تبشیری آن در باره مظهر موعود آنچنان که از کیفیت تأویلی قیوم الاسماء مفهوم می‌شود توجهی نکرده‌اند. در احادیث شیعه ذکر نهی از تعلیم سوره یوسف به نساء و حتی خواندن آن برای زنان آمده است. (فروع کافی، کتاب النکاح، فی تأدیب النساء، حدیث از امیر المؤمنین، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۸، جلد پنجم، ص ۵۱۶).
- ۱۲- ظهور الحق، جلد سوم، ص ۲۸۵.
- ۱۳- نسخه طهران، ۱۲۶۱، خطی، استنساخ محمد مهدی بن کریمانی شاه کرم.
- ۱۴- متن سوره مبارک چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم انا اعطیناک الکوثر فصل لربک و انحر ان شانک هو

الابتدائي»

- ١٥- مجموعه شماره ٥٣، صص ٣٨٣-١٨١.
- ١٦- متن سوره چنين است: «بسم الله الرحمن الرحيم والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر.»
- ١٧- مجموعه شماره ٦٩، صص ١١٩-٢١.
- ١٨- متن سوره توحيد: «بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد و لم يولد له و لم يكن له كفواً احد.»
- ١٩- مجموعه شماره ٦٩، صص ١٢-٢.
- ٢٠- متن سوره: «بسم الله الرحمن الرحيم انا انزلناه في ليلة القدر و ما ادريك ما ليلة القدر، ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر.»
- ٢١- مجموعه شماره ٦٩، صص ٢١-١٤.
- ٢٢- متن سوره فاتحة الكتاب: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين.»
- ٢٣- مجموعه شماره ١٤، صص ٤٠-٥.
- ٢٤- مجموعه شماره ٦٤، صص ٨١-٣٣.
- ٢٥- «الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاج كأنها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها يضيئ و لو لم تمسه نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء و يضرب الله الامثال للناس و الله بكل شئ عليم.»
- ٢٦- نسخه كمبريج (9) F. 21، صص ١٧١-١٥٥.
- ٢٧- «و الله من ورائهم محيط بل هو قرآن مجيد في لوح محفوظ.» (آيات ٢٠، ٢١ و ٢٢).
- ٢٨- مجموعه شماره ٦٧، صص ١٧٥-١٧٢.
- ٢٩- آيه ٢٣ از سوره شوري (٤٢).
- ٣٠- نسخه كمبريج (9) F. 21، صص ١٤٣-١٣٨.
- ٣١- مجموعه شماره ٦٧، صص ٥١-٤.
- ٣٢- مجموعه شماره ٦٧، صص ٨٥-٥٢.
- ٣٣- منقول از زرارة بن اعين و يونس بن عبد الرحمن: اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف رسولك اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني. منقول در مفتاح الجنات، سيد محسن امين، دارالقاموس الحديث، بيروت ١٩٦٩، جلد دوم، ص ١٨٥.
- ٣٤- مجموعه شماره ٦٠، صص ١٥٤-٥٧.
- ٣٥- مقصود آيه «كأني سمعت منادياً ينادي في سرى اذ احب الاشياء اليك في سبيل الله كما فدى الحسين عليه السلام في سبيلي الخ» منقول در صفحه ١٩٥ كتاب ايقان، چاپ مصر، مطبعة الموسوعات، ١٩٠٠ م می باشد.
- ٣٦- «و لله المشرق و المغرب فايما تولوا فثم وجه الله ان الله واسع عليم.» مفسرين گفته اند كه اين آيه در جواب اعتراض يهود بر تغيير قبله از بيت المقدس به مكه نازل شده چه كه بر پيغمبر اعتراض داشتند كه اگر بيت المقدس مقبول بود چرا از آن به كعبه توجه فرمود و اگر مقبول نبود چرا مدت ها پيغمبر به جانب آن ادای نماز می فرمود.
- ٣٧- مجموعه شماره ٦٧، صص ١٤٠-١٣٨.
- ٣٨- سوره ٣٧ قرآن به نام «الصافات» و با اين آيات آغاز می شود: «و الصافات صفاً فالزاجرات زجراً فالتاليات ذكراً ان الحكم لواحد.»
- ٣٩- مجموعه كمبريج (9) F. 21، صص ٦٠-٤٤.

۴۰- آیه مزبور از سوره نور (آیه ۳۶) و دو آیه بعدی نیز که مورد توجه و تفسیر مبارک واقع چنین است: «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله و اقام الصلوة و ايتاء الزكوة يخافون يوماً تتقلب فيه القلوب و الابصار ليجزيهم الله احسن ما عملوا و يزيدهم من فضله و الله يرزق من يشاء بغير حساب.»

۴۱- حديث امام صادق در روضه کافی، چاپ دارالکتب الاسلامية ۱۳۷۸، ص ۳۳۱ نقل شده است.
۴۲- مجموعه شماره ۶۷، صص ۱۵۷-۱۵۵.

۴۳- مجموعه شماره ۶۷، صص ۲۷۹-۲۷۴.

۴۴- متن دعا: «اللهم يا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه و سرح قطع الليل المظلم بغياهب تلجلجه و اتقن صنع فلك الدوار في مقادير تبرجه.» مفتاح الجنات، جلد اول، ص ۱۱۳.

۴۵- مجموعه كمبريج، صص ۱۵۵-۱۴۳.

۴۶- قسمتی از دعای صباح، مفتاح الجنات، جلد اول، ص ۱۱۳.

۴۷- ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی المزینة فی الاحادیث الدینية، مطبعة سيد الشهداء، قم ۱۹۸۵، جلد ۴، ص ۱۰۲ (۱۴۹). «قال النبي من عرف نفسه فقد عرف ربه.» مفهوم این مطلب به سقراط نیز نسبت داده شده: «النفس جامعة لكل شيء فمن عرف نفسه عرف كل شيء، و من جهل نفسه جهل كل شيء.» فرید وجدی، دائرة معارف قرن العشرين. شاید این شعر معروف که مفهوم آن به سقراط حکیم نسبت داده شده صورت دیگری از بیان همین مطلب است:

تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم

۴۸- شماره ۴۰، صص ۱۶۲-۱۵۵.

۴۹- به توضیح ذیل شماره ۴۷ مراجعه شود.

۵۰- مجموعه شماره ۶۷، صص ۱۹۰-۱۸۱.

۵۱- «سئل كميل بن زياد النخعي عن علي عليه السلام ما الحقيقة؟ قال ما لك و الحقيقة؟ قال اولست صاحب سرّك؟ قال بلى ولكن ترشح عليك ما يطفح مني. قال او مثلك يخيب سائلاً. فقال امير المؤمنين: الحقيقة كشف سبحات الجلال من غير اشارة. قال زدني بياناً، فقال محو الموهوم و صحو المعلوم. قال زدني بياناً، فقال هنك السّتر لغلبة السّر. فقال زدني بياناً، فقال جذب الاحدية لصفة التوحيد. فقال زدني بياناً، فقال نور اشرق من صبح الازل فيلوح على هياكل التوحيد آثاره. قال زدني بياناً، قال اطف السراج فقد طلع الصبح.» (لغت نامه، دهخدا، ذیل «حقیقت»).

۵۲- مجموعه شماره ۶۷، صص ۱۵۵-۱۴۸.

۵۳- تفسیر صافی (ملاً محسن فیض کاشانی)، چاپ المكتبة الاسلامية، جلد اول ۱۳۶۲، ص ۵۷.

۵۴- مجموعه كمبريج، صص ۲۶-۹.

۵۵- خطبه، مصدر به «الحمد لله الذي فتق الاجواء و خرق الهواء و علق الارعاء و اضاء الضياء» و علت تسميه آن، بيان امام همام در خطبه است که فرموده: «انا الواقف على الطنجنين.» مطالب این خطبه کلاً در بیان عظمت شأن صاحب خطبه است که به عنوان مظهر ذات الهی بیان نموده است. این خطبه ضمناً حاوی بعضی از بشارات ظهور است. خطبه مزبور را در «مشارق انوار اليقين» شيخ رجب برسی می توان زیارت نمود. جناب سيد كاظم شرح خطبه طتنجیه را بعد از مقدمات در باره رد و قبول علمای مختلف از خطبه چنین آغاز نموده است: «اقول مادة الحمد بيان الشكل المربع (ح = ۸ و م = ۴۰ و د = ۴ یعنی نسبت های مختلف از عدد ۴) و صورته شرح شكل المثلث (كلمه سه حرفی است) فعند الجمع هو السبع المثاني و القرآن العظيم فاستنطق منه الید.» (۱۴ = سبع المثاني و كلمه ید).

«ماده» و «صورت» از اصطلاحات فلسفه اسلامی است. «سبع المثاني» از القاب سوره فاتحه و قرآن مجید و به معنی دو مرتبه ۷ است و به مفاهیم و تعبیرات مختلف در آثار حضرت نقطه بیان شده و «ید» که به حساب ابجدی معادل ۱۴ است اشاره به ید الله است که از القاب امیرالمؤمنین علی محسوب است.

۵۶- مجموعه شماره ۶۷، صص ۱۲۹-۱۲۵.

۵۷- عین حدیث از کتاب الحجّة، اصول کافی جزء اول ص ۲۵۷، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ ق، طهران، ذیلاً نقل می‌شود:

احمد بن محمد، عن محمد بن الحسن، عن عبّاد بن سلیمان، عن محمد بن سلیمان عن ابیه، عن سدیر قال: کنت انا و ابویصیر و یحیی البرزاق و داود بن کثیر فی مجلس ابی عبداللّه (ع) اذ خرج الینا و هو مغضب، فلما اخذ مجلسه قال: یا عجیباً لأقوام یزعمون انا نعلم الغیب، ما یعلم الغیب الاّ الله عزّ و جلّ، لقد هممت بضرب جاریتی فلانة، فهربت منی فما علمت فی ائی بیوت الدار هی. قال سدیر: فلما ان قام من مجلسه و صار فی منزله دخلت انا و ابویصیر و میسر و قلنا له: جعلنا فداک سمعناک و انت تقول کذا و کذا فی امر جاریتک و نحن نعلم انک تعلم علماً کثیراً و لا ننسبک الی علم الغیب قال: فقال: یا سدیر: الم تقرء القرآن؟ قلت: بلی، قال: فهل وجدت فیما قرأت من کتاب الله عزّ و جلّ: «قال الذی عنده علم من الکتاب: انا آتیک به قبل ان یرتد الیک طرفک.» قال: قلت: جعلت فداک قد قرأته، قال: فهل عرفت الرّجل و هل علمت ما کان عنده علم الکتاب؟ قال: قلت: اخبرنی به؟ قال: قدر قطرة من الماء فی البحر الأخضر فما یكون ذلك من علم الکتاب. قال: قلت جعلت فداک ما اقلّ هذا فقال: یا سدیر، ما اکثر هذا، ان ینسبه الله عزّ و جلّ الی العلم الذی اُخبرک به یا سدیر، فهل وجدت فیما قرأت من کتاب الله عزّ و جلّ ایضاً: «قل کفی باللّٰه شهیداً بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب.» قال: قلت: قد قرأته جعلت فداک قال: افمن عنده علم الکتاب کله افهم امنّ عنده علم الکتاب بعضه؟ قلت: لا، بل من عنده علم الکتاب کله، قال: فأوماً بیده الی صدره و قال: علم الکتاب واللّه کله عندنا، علم الکتاب واللّه کله عندنا.

۵۸- شماره ۶۷، صص ۱۶۰-۱۵۷.

۵۹- نویسنده تا حال این حدیث را پیدا نکرده است.

۶۰- مجموعه ۴۰، صص ۱۶۴-۱۶۲.

۶۱- نویسنده تا کنون این حدیث را به نصّ مذکور پیدا نکرده اما در خطبه طتنجیه بیانی به این عبارت آمده است: «فعلّمتی علمه و علمته علمی» که اشاره امیر المؤمنین به پیغمبر اکرم است.

۶۲- مجموعه ۴۰، صص ۱۴۳-۱۳۷.

۶۳- قرآن، سوره الاعلی (۸۷)، آیات ۲ و ۳.

۶۴- منقول از امام صادق، عوالی اللّٰقائ العزیزیه، جلد ۴، ص ۱۰۹ (۱۶۵).

۶۵- قرآن، سوره الاعراف (۷)، آیه ۱۷۲.

۶۶- بیانی از حضرت عبدالبهاء در مورد جبر و تفویض خطاب به دو خانم محترمه انگلیسی و آلمانی صادر شده است که در ذیل آمده است:

بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه در کوه کرمل اول مارس ۱۹۱۰ در جواب سؤال میس استیونس و خانم دکتر فالشر.

س- مسئله جبر و تفویض را دیانت بهائی چگونه حلّ می‌نماید؟ مثلاً من چرا زن بدنیا آمده و انگلیزی و مسیحی هستم و در قرن نوزدهم بدنیا آمده‌ام و چرا مرد تولّد نشده و چینی و کونفوزی نشده و در سنه ۱۰۰ بدنیا نیامده‌ام؟

ج- این مسئله بقدری بزرگ است که حضرت بهاء‌الله می‌توانستند روزها بلکه هفته‌ها برای شما بحث نمایند ولی حال من با کمی وقت (ساعت ده شب است) حقیقت را به شما که مشتاق کشف حقائق هستید تا حدی آشکار می‌سازم. خداوند مهربان از برای انسان در مدت حیاتش سه رمز و معما تعیین فرموده که حلّ قطعی آن فقط پس از صعودش از این عالم میسر خواهد شد و آن سه رمز عبارتند از:

یک- سرّ عظیم خیر و شرّ.

دو- رمز سختی و درد و رنجی که برای اطفال و افراد به بلوغ نرسیده معین شده است.

سه- حقیقت مسئله جبر و تفویض.

مظاهر مقدسه، الهیه حضرت موسی و حضرت مسیح و حضرت محمد و حضرت بهاء الله می‌فرمایند که این سه مسئله و ممعاً با هم ارتباط دارند ولی به علت کمی وقت امشب فقط به مسئله جبر و تفویض مشغول می‌شویم و امیدوارم بقیه رموز را به وقت دیگر محول نمائیم تا در مسائل دیگر حیات و ممت بحث کامل نمائیم.

ای دوستان من، بدانید که روح انسان را می‌توان به يك نَسَاج و حیات او را به منسوج تشبیه نمود. در این صورت کارگاه بافندگی جسم انسان خواهد بود که روح نَسَاج به وسیله آن پارچه را می‌بافد. خداوند که در این مثال استاد نَسَاجی است دستگاه بافندگی را با تار و پود اصلی تقدیر منظم و مرتب می‌نماید. به این طریق که تارهای مذکور و شالوده منسوج را از نخ‌های زمان و مکان و والدین و دیانت و ملیت و استعداد و غیره به میل و اراده خود تنظیم فرموده و به نَسَاج وامی‌گذارد و نَسَاج با پود احساسات و تصورات و اعمال خود که نخ‌های افقی منسوج محسوب می‌گردند قماش حقیقی حیات انسان را تا آخر عمر به عمل می‌آورد. پس مواد اولیه از قبیل پشم و پنبه و ابریشم و نخ و یا مخلوطی از آنها انتخابش با صاحب کار و از اختیار روح نَسَاج خارج است. همچنان اختیار نوع کارگاه به اختیار او نیست بلکه آنچه به اراده او واگذار شده طرح و نقشه، قماش و وضع محصولی است که می‌بافد و این نیز تا حدی که مواد اولیه، مقدر شده به او اجازه می‌دهد.

مواد لازمه، اولیه عبارت از سازمان بدن انسانی که در طول ایام تابع قوانین و شرایط ارثی بوده و از آباء و اجداد به او منتقل شده است. پس فکر کن که در اینصورت جبر چیست و تفویض کدام است.

وجود انسان از لحاظ غرائز و شئون موروثی در تحت اراده و اطاعت مطلقه، تقدیر است (چنانچه فلاسفه جدید آن را عقل و یا شعور باطنی و قدما آن را سمپاتیزم و قوای غالبه، سری می‌نامند).

پس انسان دارای يك اراده نسبی است و یا به عبارت دیگر يك آزادی عمل در تصمیم و تمایلات خود دارد یعنی قادر است که به وسیله استعدادی که مولود قوه تصور و معرفت اوست به وسیله تعمق در علت و معلول مبارزه با جبری نماید که از طرف غرائز و امیال غیر منتظره بر او تحمیل می‌گردد.

حال ای دوستان من، برای فهم مطلب مثال دیگری می‌زنم. انتقال صفات موروثی و غریزه طبیعی عبارت از ریل‌های ثابت و محکمی است که روی زمین نصب شده و ترن حیات باید از روی آن عبور نماید. راننده لکوموتیو که در این مثال روح است و لکوموتیو تحت اختیار اوست می‌تواند آن را به جلو و عقب هدایت کند و یا به سرعت‌های مختلفه حرکت کند یا آنکه از جاده طبیعی منحرف گردد. همچنین قادر است که در ایستگاه بزرگ و کوچک توقف نماید و یا بکلی از توقف خودداری کند و نیز می‌تواند از قوانین مربوطه به حرکت و مقررات فتی اطاعت یا سرپیچی نماید. شما این مطلب را بهتر درک می‌کنید چرا که من هنوز ترن سوار نشده‌ام.

هر گاه در انسان فیما بین تمایلات ارادی او از يك طرف و حوادث غیرارادی از طرف دیگر و یا فیما بین اراده عقلانی او با ادراک باطنی‌اش موازنه موجود شود و وحدتی در اعمال حاصل گردد می‌توان گفت توافق لازمه بین مشیت الله و اراده انسانی حاصل است. در چنین موقعی بین اعمال ارادی انسان و مشیت ابدیه الهیه وحدت و هماهنگی ایجاد گشته است و نتیجه این وحدت، رضایت وجدان و کامرانی حقیقی انسان در این جهان است. حیات ما فیما بین تمایلات آزاد شخصی و غرائز و صفات اجباری قرار گرفته است و فقط خداوند متعال قادر است ما را در مقابل اراده آزاد ما با مقایسه و در نظر گرفتن اعمال اجباری و غرائز با میزان کامل عدالت خود بسنجد و ارزش آن را تعیین فرماید. هر قدر خداوند ودایع و استعداد بیشتری به شخصی عطا فرموده باشد به همانقدر بیشتر از دیگران او را مورد مواخذه قرار می‌دهد.

توضیح: این اثر باید با نسخه دقیق و مطمئن تطبیق و تصحیح شود. در اینجا از تنها نسخه دست دوم موجود استفاده شده است.

۶۷- مجموعه، شماره ۶۷، صص ۱۳۸-۱۳۴.

۶۸- مجموعه، شماره ۶۷، صص ۱۰۴-۱۰۰.

۶۹- نویسنده تا کنون این حدیث را پیدا نکرده است.

- ۷۰- مجموعه شماره ۶۷، صص ۱۴۳-۱۴۱.
- ۷۱- نویسنده به مأخذ این مطلب تا کنون دسترسی پیدا نکرده است.
- ۷۲- مجموعه کمبریج، صص ۲۶-۳۵.
- ۷۳- ظهور الحق، جلد سوم صص ۲۲۵-۲۲۳. در دعائی منقول از امام باقر این چنین آمده: «اصبحت باللّه مؤمناً علی دین محمد و سنته و دین علی و سنته... امنیت بسرهم و علانیتهم و شاهدهم و غائبهم الخ» مفتاح الجنّات، جلد اول، ص ۱۱۷.
- ۷۴- نویسنده تا حال مأخذ این حدیث را پیدا نکرده است.
- ۷۵- عوالی اللّٰثالی العزیزیة، جلد ۱، ص ۵۴ (۷۹).
- ۷۶- نسخه جنه محفظه آثار ایران، شماره ۶۰۰۷.
- ۷۷- ظهور الحق، ج ۳، ص ۲۸۹.
- ۷۸- برای دسترسی به مفهوم مشابه به تفسیر صافی ذیل آیه سوم سوره بقره مراجعه شود.
- ۷۹- ر. ک. به تورات، سفر تثنیه، باب ۳۳، آیات اول و دوم. نکته جالب این است که این آیات در بین مفسرین اسلامی نیز مطرح بحث قرار گرفته و سه مورد اول را به ظهور حضرت کلیم، حضرت مسیح و حضرت رسول تفسیر کرده‌اند ولی مورد چهارم را مطلقاً مسکوت گذارده‌اند. شاهد زیر از تفسیر ابن کثیر (تفسیر عامه) سوره «التین و الزیتون» است.
- «قالوا: و فی آخر التّوراة ذکر هذه الأماكن الثلاثة: جاء الله من طور سیناء- یعنی الذی کلم الله علیه موسی بن عمران- و اشرق من ساعیر- یعنی جبل بیت المقدس الذی بعث الله منه عیسی- و استعلن من جبال فاران- یعنی جبال مکه الّتی ارسل الله منها محمداً (ص) فذکرهم مخبراً عنهم علی الترتیب الوجودی بحسن ترتیبهم فی الزّمان، و لهذا اقسام بالأشرف ثمّ الأشرف منه ثمّ بالأشرف منهما.» تفسیر القرآن العظیم، المجلد الرابع، ص ۸۳۵، بیروت ۱۹۸۸، دارالفکر.
- ۸۰- حضرت بهاء الله به این حدیث و مفاهیم آن در آثار مختلفه اشاره و استشهاد فرموده‌اند. حتی در یک مورد مستقیماً همین مطلب را از کتاب بیان نقل فرموده‌اند. به مجموعه «لثالی الحکمة»، جلد دوم، ص ۶۱ مراجعه شود.
- ۸۱- کتاب بیان فارسی، واحد هشتم، باب ۲.